

وقایع نگاری یک جنگ باخته

۶۰ سال پس از مرگ ایرن نمیروفسکی به سال ۱۹۴۲ در آسویس، آخرین رمان ناتمام او با نام دنباله فرانسوی انتشار می‌یابد. اثری که به اندازه مدت این انتظار بسیار بزرگ است

۲۴۶

● Suite française

● دنباله فرانسوی

● Irène Nèmirovsky

● ایرن نمیروفسکی

● Ed. Denoel. 440p./22

● انتشارات دونوتل. 440 صفحه، 22 یورو

پیدااست که هنوز شاهکارهای ادبی ناشناخته وجود دارد. مانند این رمان عالی ناتمام - و افسانه‌ای - ایرن نمیروفسکی که در سال ۱۹۴۱ با خطی تب آلوده، نسبتاً ناخوانا، بر روی کاغذ نامرغوب دوران کمبود کاغذ نوشته شده، و اگر دنیز اپستاین، دختر او، که از فردای جنگ تلاش به گشودن رمزهای آن کرده، عاقبت تصمیم نمی‌گرفت به اصرار میریام آنیسیموف، دیباچه‌نویس این کشف بزرگ ادبی ۶۰ سال به تاخیر افتاده آن را منتشر سازد، می‌توانست نوشته‌ای مرده باقی بماند. اما این اثر ارزش انتظار را داشت: «دنباله فرانسوی» به زودی جایزه رونودو را از آن خود خواهد کرد، عاقبتی که برای یک اثر پس از مرگ بی‌سابقه است.

دنباله فرانسوی و وقایع نگاری یک جنگ باخته است که در ماه‌های پس از وقایع بهت‌آور سقوط و هجرت و اوایل دوران اشغال شکل می‌گیرد؛ و جنس گزارش، شهادت، رمان تاریخی و سنت‌هایش از جنس بلندپروازی‌های نوشته‌های تولستوی است. در میان همه نویسندگانی که جنگ «خود» را باز گفته‌اند یا آن را در خود منعکس کرده‌اند، ایرن نمیروفسکی بطور قطع کسی است که تا عمق آن فرو رفته، همچون چاقوی جراحی که تا مغز استخوان فرو می‌رود، به قلب این



● ایران نمبروفسکی با دخترش دینز (۱۹۳۰)

تراژدی دسته جمعی که مجموعه‌ای از درام‌های فردی است نزدیک شده؛ چه کسی بهتر از یک «خارجی» می‌تواند از فاصله دلخواه قلب‌ها را بکاود و همزمان به تحلیلی روشن و نسبتاً صحیح از وقایع، شبیه به رادیوگرافی وحشتناکی از فرانسه در دوران عذاب دست یابد؟

در سالهای ۱۹۳۰، ایرن نمبروفسکی که اصل و نسب یهودی اوکراینی داشت، در ادبیات فرانسه ستاره‌ای در حال طلوع بود. کتابهای *داوید گلدر* و *مجلس رقص* را نوشته بود. بعد از شکست سال ۱۹۴۰ و انتشار رسمی قوانین ضد یهودی، رها شده، شناسایی شده، به دهکده‌ای در ساتون الوار پناه برد. در ژوئیه ۱۹۴۲ پلیس فرانسه او را دستگیر کرد، به کمپ پیتویه فرستاد و سپس از آنجا اخراج شده همان سال در آشویتز جان سپرد.

از دنباله فرانسوی، مجموعه ناتمام، فقط دو رمان باقی مانده، *توفان در ژوئن* و *دلچه*. رمان اول تراژدی کم‌دی تلخی است که در چند روز از ماه ژوئن ۱۹۴۰ سقوط را حکایت می‌کند، شرایطی ننگ‌آور در زمان انهدام یک کشور و ارتش آن که به «بهترین در اروپا» معروف است؛ و دومی وقایع‌نگاری دهکده‌ای کوچک است در اشغال آلمان‌ها. رمانی است غوطه‌ور در نور، نور تابناکی که در ژوئن ۱۹۴۰ فرانسوی‌ها را در فرار عجولانه‌شان همراهی کرد؛ *توفان در ژوئن* به ارتباط میان وقایع محدود نیست، حتی اگر صحنه‌های جمعیت عاجز از ضعف و درو شده از هواپیمای دشمن با مهارت نویسنده‌ای تحت تأثیر تولستوی که کاملاً توانسته تکنیک او را

Irène Némirovsky
Suite française

Roman

Préface de Myriam Anissimov

Irène
Némirovsky
Suite française

PRIX RENAUDOT

Inédit

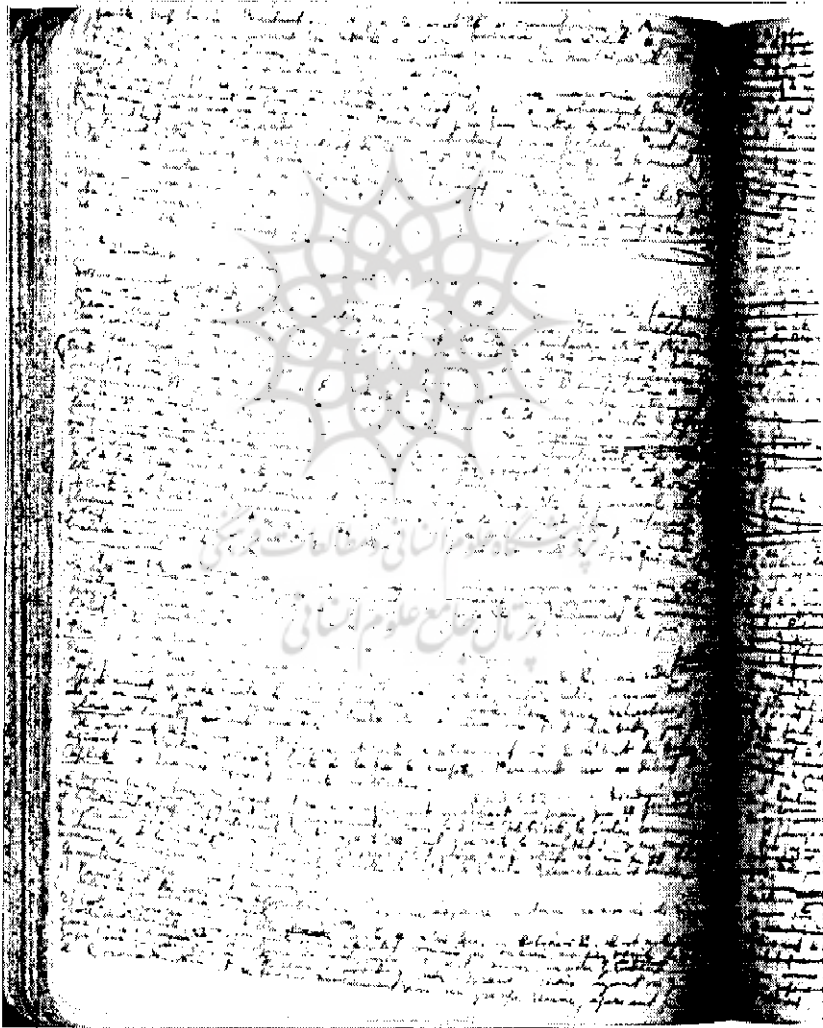
DENOEL

۲۴۸

جذب کند، توصیف شده است: در اتیوه جمعیت و حرکت یکپارچه‌شان، اشاره به نکته‌ای ظریف و جزئی کل تصویر را جان می‌بخشد و آن را فراموش ناشدنی می‌سازد. توفان در ژوئیه در عین حال رمانی است دل‌غشه‌آور که ماجرای چند نفر را در نزاع با تاریخ دنبال می‌کند، یعنی فاجعه زندگی را: مثلاً پریکان‌ها، بورژواهای سیر، شیفته خود و بی‌وجدان، محافظه‌کاران بدمقدسی که نیاکان خود را زیر بمباران فراموش می‌کنند؛ یا کشاورزان حریصی که منتظر معامله‌های چرب‌اند تا به اشاره‌ای بازار سیاه راه بیاندازند و یا خبرچینی کنند، یا کسی مثل گابریل کورت، نویسنده‌ای متبحر و فرهیخته که با ربدو شامیر ابریشمین و مترس نمایشی‌اش می‌فهمد فاجعه زندگی دارد خرت و پرت‌های بی‌مصرف پر طمطراقش را از میان می‌برد، و تاریخ اثر ناچیزش را نابود خواهد کرد.

اما دنباله فرانسوی - با نیروی تکان دهنده‌اش - تسویه حساب بزدلانه و فرومایه زنی که در انتظار دستگیری خود نشسته و از محکوم بودن خود باخبر است، نیست. رمز و رازی در این نثر بی‌نظیر جای گرفته: اینکه نویسنده چگونه توانسته شقاوت، خشونت غیرقابل دفاع (مانند مرگ کشیش فیلیپ) و قلم شاعرانه را در هم آمیزد، و بی‌آنکه هرگز طنز و طعنه شخصیت‌هایش احساس را زایل کند میان شعر و واقعیت تاب بخورد؟ با این شگرد که قضاوت سرسختانه، آرامش‌ناپذیر، به عمق بدبین از تاریخ و انسان در کلمات و در جملات او را با نرمشی موزون همراهی می‌کند.

ایرن نمبروفسکی با مهربانی به ما می‌گوید انسانیت چنین است: زبون، مغلوب، پیش پا افتاده، قادر به قبول هر ذلت و حقارت؛ ولی بلند کردن صدایمان چه فایده‌ای دارد؟ بهتر آن نیست که بینگاریم زیبایی می‌تواند دنیا را نجات دهد؟



● نسخه دستنویس رمان دنباله فرانسوی